

منطق سید قطب در وحدت پژوهی سوره‌های قرآن

عبدالکریم بهجت پور*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۰

زهرا بهجت پور**

۹۱

پیش

سال بیست و هشتم / شماره ۱۰۹ / پاییز ۱۴۰۲

چکیده

از جمله مهم‌ترین مسائل دانش فلسفه دین در معنای عام آن، فعالیت عقلانی در جهت معقولیت و توجیه مؤلفه‌ها و آموزه‌های اصلی دین و سازواری آنها با یکدیگر است. قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین منبع دینی ما مسلمانان، تلاشی ستودنی در ایجاد بینشی عقلانی در مسلمانان داشت. از نظر دین اسلام پیوندی ناگسستی میان عقل و دین وجود دارد. این عقل مندی در مضمون و محتوا و در روش ارائه مباحث در قرآن وجود دارد. روش قرآن در عرضه مباحث بسیار منطقی و قابل توجه است. از دیرباز دانشمندان تحت عنوان تناسب آیات درباره نظم و منطق بیان مطالب در سوره بحث می‌کردند. متأخرین آنها بحث از انسجام سوره‌ها را با عنوان غرض شناسی بیان داشته‌اند. از جمله سید قطب بر موضوع سرآمد و اصلی به عنوان عامل وحدت و انسجام سوره‌ها تأکید کرده، پیش از ورود به تفسیر سوره‌ها، ساختار کلی را تبیین و موضوع محوری سوره را بیان می‌دارد. با این حال ایشان مشخص نمی‌کند از چه روش و قرائتی برای شناسایی غرض سوره استفاده می‌کند؛ به همین دلیل امکان تحلیل و ارزیابی نظرات وی در عامل انسجام سوره‌ها وجود ندارد. از آنجا که نظرات سید قطب مرجع بسیاری از پژوهشگران بعدی بوده، بسیار ضروری است قرائن مورد استفاده وی شناسایی و سپس تحلیل و ارزیابی شود. به این منظور در پژوهش حاضر با متن کاوی نوشته‌های سید قطب در مقدمه ورود به تفسیر هر یک از صد و چهارده سوره قرآن در تفسیر فی ظلال القرآن، به شناسایی، توصیف و ارزیابی قرائن مورد استفاده سید در کشف عامل انسجام بخش سوره‌ها

* دانشیار گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. abp114@yahoo.com

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث. zahrabahjatpoor@gmail.com

مقدمه

پرداخته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد سید قطب از قواعد متعددی بهره می‌گیرد که در سه دسته کلی قرائن ساختاری، درون‌قرآنی و برون‌قرآنی جای می‌گیرند و بیشتر آنها مورد تأیید و برخی محل مناقشه است. همچنین مشخص شد اگر سید به جای موضوع رئیسی، بر غرض محوری سوره تمرکز می‌کرد و تمامی قرائن مورد تأیید را در همه سوره‌ها به موقع اجرا قرار می‌داد و قرائن مورد مناقشه را کنار می‌گذاشت، نظرات وی در بیان عامل انسجام‌بخش سوره، از اتقان بالاتری برخوردار شده و کمتر مورد چالش قرار می‌گرفت.

واژگان کلیدی: سید قطب، انسجام سوره، شخصیت سوره، غرض سوره، وحدت موضوعی.

سید قطب اولین فرد در تاریخ تفسیر است که توانست وحدت سوره‌ها را به شکلی عملی بنمایاند و به بهترین صورت آن را بر آیات قرآن تطبیق داده، شخصیت خاص هر سوره را بر گرد محوری واحد نمایان سازد. پیش از وی یا اساساً التفات و اعتقادی به این نظریه نبوده یا نتوانسته اند به شکل مقبول و معقولی آن را بیان و تطبیق دهند (سیاوشی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۸). این دیدگاه گرچه فی الجمله صحیح است، به گفته پژوهشگران، عملکرد وی نواقصی نیز دارد (معرفت، ۱۳۹۸، ص ۵۱). در زمینه تحلیل عملکرد سید قطب در کشف عامل انسجام پژوهش‌هایی انجام شده است؛ از جمله سیاوشی در کتاب تحلیل انتقادی مبانی و روش تفسیری سید قطب به این مسئله پرداخته است. حامد معرفت نیز در مقاله «نقد رویکرد سید قطب به عامل شخصیت‌بخش سوره»، به اجمال مبانی وی را نقد کرده است. این پژوهش‌ها نگاهی کلان و اجمالی به روش سید قطب بود و به تحلیل جزئی و ارزیابی شاخص‌های غرض‌شناسی وی و نیز گردآوری و تشریح جامع مبانی و قرائن مورد استفاده سید اهتمام نداشته است. پژوهش حاضر تلاشی به منظور تکمیل کاوش‌های مذکور است.

تلاش برای نمایان کردن انسجام سوره‌ها یکی از نوآوری‌های سید قطب به شمار می‌رود. وی در آغاز هر سوره سعی بلیغی جهت کشف و تبیین این انسجام که از آن به عنوان شخصیت خاص هر سوره تعبیر می‌کند، به موقع اجرا گذاشته است.

سید قطب ضمن پذیرش تنوع و تعدد موضوعات هر یک از سوره‌های قرآن، باور به وجود یک موضوع سرآمد (موضوع رئیسی) در هر سوره داشت که برای کشف آن، قرائنی را از سوره‌های قرآن استنباط کرده بود. می‌توان این قرائن را در سه دسته اصلی قرائن ساختاری، قرائن درون سوره‌ای و قرائن فراسوره‌ای طبقه‌بندی نمود. در این مقاله تلاش می‌شود ضمن استنباط قرائن مذکور از کلام سید قطب، درباره هر یک از شاخص‌ها اظهار نظر شود و ضریب تأثیر آن در کشف غرض یا موضوع رئیسی مشخص شود.

مفهوم‌شناسی

سید قطب در مباحث مربوط به غرض‌شناسی سوره‌ها یا بررسی موضوعات آنها، از اصطلاحاتی استفاده کرده که ابتدا آنها را تعریف و سپس نظر وی درباره آنها تشریح می‌شود:

انسجام

انسجام از ریشه «س ج م» و به معنای ریختن و جریان یافتن می‌باشد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۳۶/ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۸۰). انسجام در لغت فارسی به معنای یک‌پارچگی و هماهنگی و همخوانی در اجزاست (انوری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۶۱۸). ظاهراً این معنا در لغت فارسی، لازمه معنای عربی و ریختن و جریان یافتن است؛ از این رو در ادبیات عربی از واژگانی چون «وحدت» و «تناسب» و «نظم» استفاده می‌شود (باجوده، ۱۴۰۳ق، ص ۱۵). انسجام در علم بدیع جریان دادن سخن همانند آب روان در قالبی آسان و الفاظی نغز و ترکیبی سالم است؛ به گونه‌ای که حتی بدون هر گونه آرایه ادبی کاملاً دل‌نشین باشد (ابن‌ابی‌الاصبع، ۱۴۳۰ق، ص ۲۴۷). بنابراین مراد از انسجام سوره‌های قرآن، روانی الفاظ و ترکیب سالم و دور از اضطراب و محتوای هماهنگی است که وحدت، تناسب و نظم سوره را موجب شود. انسجام چنان پیوستگی و وحدت میان آیات قرآن برقرار می‌کند که سوره را به منزله کلام و گفتاری واحد نمایان می‌کند و مفاهیم و موضوعات سوره کاملاً همسو و هماهنگ و به دور از ناسازگاری و تعارض خواهند بود. بنابراین مراد از انسجام

ساختاری و محتوایی سوره نوعی یک‌پارچگی و وحدت می‌باشد که برخاسته از نگاهی تمرکز یافته است (mir, 2006, v5, p.405). این وحدت و پیوستگی شامل تمامی بخش‌های سوره می‌شود؛ به گونه‌ای که هر بخش تکمیل‌کننده و در عین حال نیازمند بخش‌های دیگر باشد و اجتماع این بخش‌ها نمودی پیدا کند که آحاد آنها ندارد (معرفت، ۱۳۹۸، ص ۳۴).

در بررسی‌های متنی روشن شد که سید قطب برای اشاره به انسجام از واژه «شخصیت سوره» استفاده می‌کند (سید قطب، ۱۴۱۵ق، ج ۱، صص ۲۷ و ۵۵۵ و ج ۳، ص ۱۲۴۳). بنا بر این که شخصیت مجموعه‌ای منسجم و واحد متشکل از صفات و خصوصیات نسبتاً ثابت و مداوم است که روی هم یک فرد را از فرد دیگر متمایز می‌کند (آذرنوش، ۱۳۹۱، ص ۵۰۷). سید قطب شخصیت هر سوره را امری متفاوت و ممتاز از شخصیت سوره دیگر قلمداد کرده است. بر این اساس یکصد و چهارده شخصیت در سوره‌های قرآن شکل گرفته که بر ایند آنها شخصیت کلی قرآن را تشکیل می‌دهد و اهداف قرآن را تأمین خواهد کرد.

غرض

«غرض» در لغت، معانی متباین ملالت و شوق را دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۱۷). یکی از کاربردهای «غرض» هدفی است که به سوی آن تیر پرتاب می‌شود یا فرجامی که برای رسیدن به آن تلاش می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۶۰۵).

مفسران و محققان، برای اشاره به مقاصد سوره‌ها از الفاظی چون غرض، هدف، مقصود و مقصد استفاده می‌کنند که به نظر می‌رسد همگی معانی قریب به هم است. کشف غرض سوره، عامل شناخت تشخص سوره و باعث وحدت و یکپارچگی کل متن سوره شده و خصوصیات ظاهری و محتوایی آن را مشخص کرده است. سید قطب که موضوع محوری را عامل انسجام می‌داند، در عین حال به غایت - یا به تعبیر ما، غرض - سوره نیز توجه کرده و آن را در کنار موضوع محوری، مایه انسجام سوره شناخته است.

ضابطه

از دیگر واژه‌های پر کاربرد، کلمه «ضوابط» است. این کلمه جمع ضابطه از ریشه «ضبط» در اصل به معنای حبس نمودن و لزوم چیزی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۴۰) که از آن جدا نمی‌شود (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۲۳). ضابطه به معنای نگهدارنده هر شیء به جای خودش و به معنای قاعده و دستور است. قواعد را احکامی کلی که از آن احکام جزئیات معلوم می‌شود، معنا کرده‌اند. این معنا نزدیک به قوانین طبیعی مثل قانون جاذبه، انرژی و نظائر آن است. اگر ضابطه را «حکمی کلی که منطبق بر جزئیات باشد، به شمار آوریم، این دو لفظ مترادف می‌شوند. برخی فرق ضابطه و قاعده را چنین شمرده‌اند: قاعده را فروعی از ابواب مختلفه است و ضابطه را جز از یک باب فروعی نباشد» (دهخدا، ۱۳۰۹ش، لغت‌نامه، واژه «ضابطه»). به هر حال سید قطب در بحث کشف موضوعات رئیسی سوره‌ها از ضوابطی مؤثر در عملیات اکتشاف سخن گفته است.

۹۵

سید قطب

منطق سید قطب در وحدت پژوهی سوره‌های قرآن

طبقه‌بندی قرائن مورد استفاده سید قطب

گذشت که سید قطب به وجود یک موضوع سرآمد در هر سوره باورمند است. وی ضوابطی برای کشف این موضوعات داشته است. مع الاسف این ضوابط را نه تشریح و نه مدلل کرده است؛ از این رو نگارنده در صدد کشف ضوابط و بررسی میزان دلالت این ضوابط برای کشف اغراض یا موضوعات سرآمد سوره‌ها و بررسی نقش مجموعه آنها در کیفیت رسیدن به انسجام و وحدت سوره‌ها از نگاه سید قطب است.

این قرائن در سه دسته کلی طبقه‌بندی می‌شوند: قرائن ساختاری، قرائن درون‌سوره‌ای و قرائن برون‌سوره‌ای. هر یک از قرائن مذکور از نگاه این مفسر شناسایی، تبیین و سپس تحلیل و نقد شده است.

۱. قرائن ساختاری

ساختار به صورت کلی به الگو یا آرایش یا سازماندهی اجزای مرتبط در یک شیء مادی یا یک سیستم گفته می‌شود که بر اثر مشاهده یا بازشناخت قابل تشخیص و کشف اس (معین، ۱۳۵۱ش،

واژه «ساخت»/ عمید، ۱۳۳۵، واژه «ساخت»).

آنچه ساختار یک سوره را شکل می‌دهد، عناصری چون هندسه موضوعات سوره، توجه به ابتدا و انتهای سوره و نظم آهنگ آیات است. این قرائن در ظاهر سوره قابل مشاهده بوده و در شناخت جهت کلی سوره دخالت دارد. نمونه‌های عینی و جزئی این قرائن در تفسیر فی ظلال القرآن به ترتیب موارد ذیل است:

الف (توجه به هندسه سوره

به نظر سید قطب توجه به هندسه و اندازه‌هایی که میان موضوعات سوره وجود دارد و تناسبی که میان مطالب آیات برقرار شده، از جمله قرائنی است که مفسر را به کشف موضوع سرآمد نزدیک می‌کند. این قرینه چنان است که به یکی از دغدغه‌های سید قطب در بررسی سوره‌ها تبدیل شده است. وی تلاش کرده ساختار سوره را به گونه‌ای تبیین نماید که توجه‌کننده محور بودن موضوع رئیسی سوره باشد. وی از راه تشریح ساختار سوره تلاش می‌کند به خواننده ذهنی سازمان‌یافته و تنظیم‌شده منتقل کند، تا نسبت میان موضوعات مختلف سوره و موضوع سرآمد سوره را مشاهده کند. وی در بسیاری از سوره‌ها به این قرینه ملتزم بوده است.^۱

تشریح سوره بر اساس نظام ساختاری سوره و مهندسی موضوعات سوره، گرچه سابقه‌ای در میان مفسرانی چون بقاعی در النظم الدرر دارد (بقاعی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۵)؛ اما بدون شک تفسیر

۱. نکته قابل توجه سید قطب گاهی از موضوع رئیسی در سوره سخن می‌گوید و گاهی از محور سوره که چند موضوع بر گرد آن می‌چرخند. هر چند در بیان غرض گاهی عبارت بیان‌شده بیشتر به موضوع سوره اشاره دارد و گاهی عبارت بیان‌شده به غرض اشاره می‌کند (ر.ک: سید قطب، ۱۴۲۵ق، سوره فرقان، ج ۵، ص ۲۵۴۶ / سوره قصص، ج ۵، ص ۲۶۷۵ / سوره عنکبوت، ج ۵، ص ۲۷۱۹ / سوره روم، ج ۵، ص ۲۷۵۵-۲۷۵۶ / سوره لقمان، ج ۵، ص ۲۷۸۱-۲۷۸۳ / سوره سجده، ج ۵، ص ۲۸۰۳-۲۸۰۴ / سوره احزاب، ج ۵، ص ۲۸۱۸-۲۸۲۱ / سوره سبا، ج ۵، ص ۲۸۹۰-۲۸۹۱ / سوره فاطر، ج ۵، ص ۲۹۲۰ / سوره یس، ج ۵، ص ۲۹۵۷ / سوره صافات، ج ۵، ص ۲۹۸۲ / سوره ص، ج ۵، ص ۳۰۰۵-۳۰۰۶ / سوره زمر، ج ۵، ص ۳-۳۵ / سوره غافر، ج ۵، ص ۳۰۶۶-۳۰۶۸ / سوره فصلت، ج ۵، ص ۳۱۰۶-۳۱۰۷ / سوره زخرف، ج ۵، ص ۳۱۷۶ / سوره احقاف، ج ۶، ص ۳۲۵۲-۳۲۵۴ / سوره طور، ج ۶، ص ۳۳۹۲ / سوره نجم، ج ۶، ص ۳۴۰۵ / سوره واقعه، ج ۶، ص ۳۴۶۱-۳۴۶۲ / ج ۴، ص ۲۴۸۶. ج ۴، سوره ابراهیم، ص ۲۰۸۲ ج ۳، سوره یونس، ص ۱۷۴۶-۱۷۵۱ / ج ۴، سوره حجر، ص ۲۱۲۲-۲۱۲۳ / ج ۴، سوره کهف، ص ۲۲۵۹ / ج ۴، سوره مریم، ص ۲۳۰۱ / ج ۴، سوره انبیا، ص ۲۳۶۶ / ج ۴، سوره حج، ص ۲۴۰۷ / ج ۶، سوره حدید، ص ۳۴۷۷ / سوره عبس، ص ۳۸۲۱-۳۸۲۲ / سوره تکویر، ص ۳۸۳۶ / سوره انفطار، ص ۳۸۴۵-۳۸۴۶ / سوره مطففین، ص ۳۸۵۴ / ج ۴، سوره مؤمنون، ص ۲۴۵۲-۲۴۵۳ / سوره نور، ص ۲۴۸۶).

فی ظلال القرآن نقطه عطفی در توجه به این قرینه است. نمونه تلاش سید قطب کشف موضوع رئیسی سوره مؤمنون است. وی موضوع اصلی سوره را «ایمان با همه قضایا و دلایل و صفاتش» می‌داند. بر این اساس، محتوای سوره را به چهار مرحله تقسیم کرده و هر مرحله را با عنایت به رابطه با موضوع رئیسی سوره توضیح داده است (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۴۵۲-۲۴۵۳). وی برای دسته‌بندی آیات سوره‌های قرآن، از کلماتی بهره می‌گیرد که از طرفی نشان از ساختارمندی سوره دارد و از طرف دیگر نوعی توالی در مطالب سوره را نمایان می‌کند و از جهت سوم همسویی و هدفمندی همه محتویات سوره با موضوع رئیسی را نشان می‌هد. آن کلمات عبارت‌اند از: ۱. شوط (گام= راهی که در آن گام زنند) (همان، ج ۵، ص ۲۵۸۴)؛ ۲. جوله (مقطع بریده از مقاطع دیگر) (همان، ج ۴، ص ۲۱۲۲)؛ ۳. موج (قطعه‌ای در پی قطعه دیگر) (همان، ج ۲، ص ۱۰۲۲)؛ ۴. درس (همان، ج ۵، ص ۲۷۸۳)؛ ۵. شطر (همان، ج ۱، ص ۶۴)؛ ۶. مقطع (بُرش) (همان، ج ۳، صص ۱۶۵۰ و ۱۲۰۶).

پس از سید قطب توجه به مهندسی سوره‌ها با عنایت به پذیرش غرض به عنوان عامل وحدت‌دهنده سوره، قوام بهتر و تکامل یافته‌تری یافت (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰ق/ بهجت‌پور، ۱۳۹۰). شایان ذکر است که سید قطب در مواردی این قرینه را به کار نبرده و به نوعی در بیان مباحث سوره دچار پراکنده‌گویی شده است؛ برای نمونه نتوانسته است موضوع محوری سوره علق را به دست آورد و ساختار منسجم سوره را کشف کند؛ بلکه بر عکس بر عدم نزول یک‌جای سوره و نزول آیات آن در دو زمان متفاوت تأکید می‌کند و دلیل آن را تفاوت موضوعی دو بخش سوره می‌داند (همان، ج ۶، ص ۳۹۳۸-۳۹۳۶)؛ در حالی که تعاقب نزول دو قطعه سوره موجب پارگی و تفرقه سوره نمی‌شود. به واقع آنچه سید قطب را در اینجا به تحیر انداخته، تصور لزوم کشف انسجام سوره در پرتو موضوع بوده است. اشکال در عدم نزول یکپارچه سوره نیست، بلکه اشکال در تعیین موضوع به عنوان عامل وحدت‌بخش سوره است. اگر غرض سوره را تعیین اولین و اولویت‌دارترین وظیفه رسالی پیامبر اسلام در آغاز رسالت وی یعنی دعوت مردم به توحید ربوبیت قلمداد کنیم و بخش دوم سوره را پیش‌بینی وقایع پیش روی پیامبر اکرم ﷺ پس از ابلاغ دعوت بدانیم و تکلیف او و اقدامات خدای متعال در برخورد با این چالش را بخشی از غرض سوره به شمار آوریم، در کشف مهندسی سوره سردرگم نمی‌شویم. بنابراین

کشف مهندسی سوره قرینه‌ای مهم در اکتشاف وحدت سوره است؛ مشروط به آنکه محور وحدت بخش سوره را غرض به شمار آوریم.

ب) پیوست‌وارگی و توالی آیات سوره

در نگاه سید قطب یکی از قرائن مهمی که به کشف موضوع سرآمد در سوره کمک می‌کند، توالی و ازپی هم بودن آیات سوره است. این پیوستگی موجب می‌شود موضوعات جزئی در راستای موضوع اصلی سوره قرار گیرند و از این پیوست می‌توان نظام موضوعات سوره را به دست آورد؛ به گونه‌ای که فرعی و اصلی بودن موضوعات تشخیص داده شود. سید قطب در تفسیر فی ظلال توالی میان آیات سوره را پذیرفته و سعی در تشریح این توالی دارد. این توالی سبب یک‌دست شدن یکایک آیات درون سوره می‌شود؛^۱ برای نمونه در سوره طور که محتوای آن را متصل به هم دانسته، می‌نویسد: «و من بدء السورة إلى ختامها تتوالی آیاتها» (همان، ج ۶، ص ۳۳۹۱). از جمله عبارات سید قطب که به این قرینه اشاره دارد، عبارتی همچون «سوره یک وحدت به هم پیوسته است»^۲ (همان، ج ۵، ص ۲۹۱۸) می‌باشد.

اثبات توالی و پی‌درپی بودن آیات و کشف تناسب و نظم و یک‌دستی مجموعه آیات باز هم در پرتو غرض شناسی سوره ممکن است. به همین جهت سید قطب نتوانسته است در همه سوره‌هایی که به دنبال عامل وحدت سوره بوده، از این ضابطه استفاده کند؛ لذا این قرینه در حالی که قابل اثبات است و می‌توان بخش‌های مختلف و آیات تمام سوره را به عنوان یک جریان متوالی شناسایی کرد، به جهت درگیر شدن ذهن سید قطب با موضوعات سوره و ترک تتبع در غرض، نتوانسته از این ضابطه چنان‌که باید استفاده کند.

ج) نفی حداکثری آیات استثنایی

مطابق اصطلاح مشهور، آیات استثنایی، آیاتی است که در مکی و مدنی بودن با کلیت سوره

۱. ر.ک: فی ظلال القرآن، ج ۳، ص ۱۷۴۶-۱۷۵۱ (سوره یونس) ج ۴، ص ۲۲۵۶ (سوره کهف) ج ۴، ص ۲۳۰۱ (سوره مریم) ج ۴، ص ۲۳۲۷ (سوره طه) ج ۴، ص ۲۳۶۵ (سوره انبیا). ج ۱، ص ۰۲۸، ج ۲، ص ۱۰۱۶ و ۱۰۲۲.
۲. و السورة وحدة متماسكة متوالية الحلقات متتالية الإيقاعات... منذ ابتداء السورة نلمح هذه السمة البارزة، و تطرد إلى ختامها»

مخالفت داشته باشد (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۷۲). مفسران و دانشمندان علوم قرآن ذیل بحث مکی و مدنی سوره‌ها از آیات استثنایی سخن گفته‌اند. با توجه به ضابطه گذشته و تلاش سید قطب برای اثبات توالی و ترتیب منطقی آیات قرارگرفته در هر سوره، وی تلاش می‌کند حتی المقدور استثنایی بودن برخی آیات را در سوره‌ها انکار کند. در نگاه وی پذیرش آیات استثنایی منوط به مغایرت آنها با جو و سیاق سوره است (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۱۷۵۲)^۱ و در موارد عدیده‌ای که تصور می‌شود آیه استثنایی است، چنین تفسیری مشاهده نمی‌شود. در سوره یونس به دلیل نزول یکپارچه سوره و اتصال محتوای آیات، روایات دال بر استثنایی بودن برخی آیات را رد و تصریح می‌کند که این آیات کاملاً مرتبط با موضوع سوره بوده و سیاق سوره بدون این آیات ناقص می‌ماند (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۱۷۵۲). از نظر سید قطب آیات استثنایی ادعایی در این سوره بخشی از سیاق است و الحاق این آیات انسجام را به هم زده است. مطلب مهم دیگر اینکه سید قطب برای اثبات فقدان آیه استثنایی در این سوره ادعا کرده که سوره یونس یک‌جا نازل شده است (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۱۷۵۲).

نگاه نقادانه و تردیدآمیز سید به ادعای استثنایی بودن آیات، مورد پذیرش دیگر دانشمندان علوم قرآن و نیز غالب مفسران محقق قرار گرفته است (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۶۹). اما انکار آیات استثنایی به جهت وحدت نزول سوره قابل قبول نیست. یک‌جائز شدن ارتباطی با استثنایی بودن برخی آیات سوره ندارد؛ ممکن است سوره یک‌جا نازل شود، ولی بعد از چند سال آیه‌ای به آن ملحق شود. در نتیجه نمی‌توان بر اساس نزول یک‌جا، استثنایی بودن برخی آیات را لزوماً مردود دانست. به هر حال آیات استثنایی نافی توالی و پیوستگی سوره نیست؛ زیرا الحاق آیه‌ای به سوره می‌تواند دقیقاً هماهنگ با موضوعات سوره یا غرض سوره باشد؛ چنان که خدای متعال آیه ۲۰ سوره مزمل را که قطعاً بعدها به سوره ملحق شده است، در هماهنگی کامل با موضوع بیداری شب و پرداختن به عبادت شبانه در ابتدای سوره قرار داده و به سیاق و پیوستگی سوره لطمه‌ای وارد نشده است.

۱. نمونه‌های دیگر: ج ۲، سوره انعام، سوره یونس/ج ۳، ص ۱۷۵۲/ج ۴، سوره هود، ص ۱۸۳۹-۱۸۴۳/ج ۶، سوره تغابن، ص ۳۵۸۳.

د) توجه به ابتدا و انتهای سوره

از جمله دیگر ضوابط ساختاری که در تفسیر سید قطب کاربرد زیادی دارد، توجه به ابتدا و انتهای سوره است. این توجه را بارها در کلام ایشان مشاهده می‌کنیم^۱ که نشان از اهمیت ویژه آن، نزد سید دارد. در سوره نمل می‌نویسد: «سوره با ایقاعی که متناسب با موضوع و جو سوره باشد، ختام یافته است» (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۲۶۲۵) و در سوره عنکبوت ختام و مطلع سوره را متناسب با هم دانسته و این ارتباط را روشن‌کننده حکمت سیاق در سوره می‌داند (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۲۷۱۸). در سوره دخان می‌نویسد: ابتدای سوره با صحبت در مورد قرآن است و ختام سوره نیز در توجه به قرآن و تناسب با ابتدای سوره است (همان).

ارتباط منطقی و منظم میان آیات و سوره‌ها نشان دهنده نظم تألیف قرآن می‌باشد. البته این نظم فراتر از وجوه نظم معمول در کلام عرب است (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۰۸). تناسب میان ابتدا و انتهای سوره‌ها، ریشه در حکیمانگی گوینده دارد. ثمره این حکیمانگی، وجود مناسبت در آیات و سوره‌های قرآن و ارتباط آنها با یکدیگر است؛ تا جایی که دارای نظم و هماهنگی در ایفای معنا شود (سیوطی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۴۳). پس این نکته می‌تواند به عنوان قرینه یا حتی ضابطه‌ای در تشخیص غرض و عامل انسجام‌بخش به سوره باشد که در علم بلاغت به عنوان هماهنگی صدر و عجز مطرح می‌شود (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۲۵).

البته تذکر این نکته ضروری است که این قرینه به صورت اکثری در سوره‌های قرآن جاری می‌شود؛ ولی این ضابطه نباید تنها عامل کشف غرض سوره یا موضوع سرآمد سوره باشد. در بعضی از سوره‌ها صرفاً با صدر و ذیل آن نمی‌شود انسجام را نشان داد؛ چنان که در سوره‌های عصر، ناس و اخلاص و اغلب سوره‌های کوچک قرآن بسنده کردن به مشاهده صدر و انتهای سوره برای کشف غرض کفایت نمی‌کند.

۱. سید قطب، ۱۴۲۵ق، سوره انعام، صص ۱۰۱۶ و ۱۰۲۲/ج ۳، سوره یونس، ص ۱۷۵۲/ج ۴، سوره یوسف، صص ۱۹۶۷-۱۹۶۹ و ۱۹۶۹/سوره ابراهیم، صص ۲۰۷۷ و ۲۰۸۲/سوره اسراء، صص ۲۲۰۹-۲۲۱۰/سوره کهف، ص ۲۲۵۷/سوره انبیا، صص ۲۳۶۶-۲۳۶۷/ج ۴، سوره مؤمنون، ص ۲۴۵۲/ج ۵، سوره نمل، ص ۲۶۲۵/سوره سوره سبأ، ص ۲۸۸۸/سوره فاطر، ص ۲۹۱۹/سوره یس، ص ۲۹۵۶/سوره صافات، ص ۲۹۸۲/سوره زمر، ص ۳۰۳۳-۳۰۳۴/سوره فصلت، ص ۳۱۰۵-۳۱۰۷/سوره دخان، ص ۳۲۰۶-۳۲۰۷/سوره جاثیه، ص ۳۲۲۱/ج ۶، سوره نجم، ص ۳۴۰۵/سوره قمر، ص ۳۴۲۴/سوره حشر، ص ۳۵۲۱/سوره انسان، ص ۳۷۷۸/سوره قیامت، ص ۳۷۷۹.

هـ) توجه به نظم آهنگ سوره

سید قطب هنگام سخن از شخصیت خاص سوره و بیان موضوع اساسی سوره به آهنگ موسیقایی سوره توجه داده، آن را هماهنگ با جو سوره معرفی می‌کند (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۸). از نظر ایشان رابطه مستقیمی میان جو و نظم آهنگ سوره وجود دارد. بر این اساس می‌توان آهنگ موسیقایی را به عنوان قرینه‌ای برای کشف عامل انسجام‌بخش سوره و کشف موضوع سرآمد آن لحاظ کرد. نمونه آن در سوره انبیاست. به نظر وی ضرب موسیقایی این سوره آهنگ تقریر و تثبیت مطالب بوده و با موضوع سوره و جو و سیاق سوره، کاملاً هماهنگ است (همان، ج ۴، ص ۲۳۶۶).^۱

۱۰۱

سید قطب

منطق سید قطب در وحدت پژوهی سوره‌های قرآن

توجه به موسیقی و آهنگ سوره که درحقیقت یکی از عوامل سازنده جو سوره است، در دیدگاهی تقریباً ابداعی و نو در کلام سید قطب بیان شده است. جو سوره تنها از بار معنایی ایجاد نمی‌شود، بلکه از بار موسیقایی کلام نیز جو ایجاد می‌شود. آیت‌الله معرفت با تأیید موسیقایی کلام الهی به سوره هود توجه می‌دهد و می‌نویسد: واژه « اَنْزَلْنَا مُكْمُوها » با درهم آمیختن ضمائر در هنگام ادا و درهم پیچیدن آنها در یکدیگر، فضای اکراه را به تصویر کشیده است. جالب‌تر آنکه این تعبیر با درآمیختن ضمائر، طغیان‌گران را به آنچه بی‌میل‌اند، در هم تنیده و به هم گره زده است (معرفت، ۱۳۹۶، ج ۵، ص ۲۲۶). سید قطب می‌گوید: بر همین اساس، نوعی از هماهنگی میان آهنگ کلمه با نوع معنا در سراسر قرآن وجود دارد که بسیار برتر از بلاغت‌های ظاهری و فصاحت لفظی است که برخی از صاحب‌نظران آن را برترین مزایای قرآن دانسته‌اند (سید قطب، ۱۴۱۵ق، ص ۷۲).

این قرینه هرچند می‌تواند در برخی ویژگی‌ها و موضوعات سوره مؤثر باشد، تأثیر مستقیمی میان این قرینه و تعیین غرض سوره وجود ندارد؛ کما اینکه مفسران دیگر، بدون توجه به موسیقی سوره، توانسته‌اند غرض سوره را به درستی تشخیص دهند (طباطبایی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۴، ص ۲۴۴). البته بعید نیست برای مفسری که به دنبال موضوع سرآمد و اصلی سوره است، تناسب میان نظم آهنگ و

۱. همچنین ر.ک: ج ۴، سوره طه، ص ۲۳۲۷ / سوره انبیا، ص ۲۳۶۶ / سوره مریم، ص ۲۳۰۰ / ج ۵، سوره صافات، ص ۲۹۸۲ / ج ۶، سوره محمد، ص ۳۳۹۱ / سوره حاقه، ص ۳۶۷۶-۳۶۷۷ / معارج، ص ۳۶۹۴-۳۶۹۵ / جن، ص ۳۷۲۰ / سوره مزمل، ص ۳۷۴۳ / سوره مدثر، ص ۳۷۵۳-۳۷۵۴ / سوره نجم، ص ۳۴۰۴ / سوره نبا، ص ۳۸۰۲ / سوره نازعات، ص ۳۸۱۱ / سوره انفطار، ص ۳۸۴۵ / سوره فجر، ص ۳۹۰۲ / سوره شمس، ص ۳۹۱۵ / سوره عادیات، ص ۳۹۵۷.

موضوع، قرینه قرار گیرد؛ اما اثبات این رابطه در گرو بیان شواهد اطمینان‌بخش است. بر اساس آنچه گذشت، از اشارات و عبارات سید قطب در تفسیر فی ظلال پنج قرینه ساختاری سوره به منظور کشف موضوع سرآمد سوره، قابل اکتشاف بود. ضمن مخالفت با سید قطب در اینکه محور اساسی وحدت بخش به سوره موضوع است و اینکه به نظر صحیح محور انسجام بخش غرض است، در این قرائن ساختاری قرائن توجه به هندسه سوره، پیوست‌وارگی و توالی آیات سوره، نفی حداکثری آیات استثنایی، توجه به ابتدا و انتهای سوره و توجه به نظم آهنگ آیات سوره در کشف موضوع رئیسی سوره مفیدند؛ هرچند در مواردی چون پیوست‌وارگی و هندسه سوره نمی‌توانند به سید قطب کمک مستمری کنند؛ چنان‌که سید خود از این قرائن در مواردی دست شسته است. قرینه نظم آهنگ برای کسانی که وحدت سوره را ناشی از غرض می‌دانند، مؤثر نیست و استدلال سید قطب برای کنارزدن آیات استثنایی به جهت نزول یکپارچه را تمام ندانستیم.

۲. قرائن درون سوره‌ای

دسته دوم از قرائن و ضوابطی که سید قطب برای کشف موضوع سرآمد سوره‌ها استفاده کرد، قرائن محتوایی سوره و توجه به مضامین سوره، بود. مطالعه اکتشافی کلام سید قطب نشان از اهمیت این قرائن و پرکاربرد بودن آنها در تشخیص صحیح موضوع اصلی سوره دارد. در اینجا به بررسی برخی از این قرائن می‌پردازیم:

الف) توجه به جو معنایی سوره

به نظر سید قطب هر سوره دارای جو و اتمسفر و هوای ویژه‌ای است که بر تمام سوره سایه افکنده است. اعلام خطر یا امیدبخشی و شادی‌آفرینی یا ترس‌زایی و نظایر آن، هوای پیرامون سوره‌ها را تشکیل می‌دهند. جو سبب ایجاد سیاق خاصی در پردازش موضوعات سوره است (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۸).^۱ در سوره شعرا می‌نویسد: «جو انداز و تکذیب و عذاب پس از

۱. رک: سوره فاتحه، ج ۱، ص ۲۶ / سوره بقره، ج ۱، صص ۲۸ و ۵۵ و ۵۶ / سوره آل عمران، ج ۱، صص ۳۵۶ و ۵۳۱ / سوره انعام، ج ۲، ص ۱۰۱۵ / سوره اعراف، ج ۳، صص ۱۳۲۹ و ۱۳۵۶ / سوره انفال، ج ۳، صص ۱۴۲۹ و ۱۴۵۳ و ۱۴۷۲ / سوره توبه، ج ۳، ص ۱۷۴۲ / سوره یونس، ج ۳، ص ۱۷۵۲ / سوره هود، ج ۴، ص ۱۸۴۱ / سوره یوسف، ج ۴،

تکذیب بر سوره غلبه دارد» (همان، ج ۵، ص ۲۵۸۴). از نظر او باید به الفاظ ویژه سوره و تأثیری که بر جو سوره دارند، توجه شود (همان، ج ۴، ص ۲۰۸۲)؛^۱ چراکه کلمات به کاررفته در سوره همگام با جو سوره به کار گرفته شده اند. این مطلب نظم فنی آیات در قرآن است (همان، ج ۴، ص ۱۸۷۳).^۲ در نگاه وی، هماهنگی میان جو سوره و هدف سوره از وجوه اعجاز قرآن است (سید قطب، ۱۴۱۵ق، ص ۱۰۱). در سوره حاقه پس از آنکه جو سوره را جدیت و جزم و جو هول و ترس می‌داند، بیان می‌کند که الفاظ سوره به صورت مفرد و به صورت ترکیب در این جو هستند و سپس مثال‌هایی از این جو را در الفاظ سوره بیان می‌کند (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۶، ص ۳۶۷۷).

از کلام سید قطب به دست می‌آید بار معنایی کلمات جو سوره را ایجاد می‌کنند؛ مثلاً استفاده زیاد از کلمات هول‌انگیز، جو سوره را جو ارباب می‌کند. استفاده زیاد از کلمات لطیف، جو سوره را لطیف و آرام می‌کند؛ همچنین عوامل دیگری چون داستان‌ها و امثال مطرح شده در سوره، نحوه تخاطب و... در ایجاد جو سوره تأثیر گذارند. از نظر سید قطب توانایی واژه در بیان این همه آموزه، نشان از ورزیدگی گوینده در ایجاد تناسب‌های بی بدیل دارد (سید قطب، ۱۴۱۵ق، ص ۷۲). وی حتی آهنگ کلمات به کاررفته در سوره را هماهنگ با نوع معنای کلمات می‌داند که بسیار برتر از بلاغت ظاهری و فصاحت لفظی است که برخی صاحب‌نظران آن را برترین مزایای قرآن دانسته اند

ص ۱۹۶۶/سوره رعد، ج ۴، صص ۲۰۳۹، ۲۰۴۰، ۲۰۴۹ و ۲۰۵۳/سوره ابراهیم، ج ۴، صص ۲۰۷۷، ۲۰۷۹، ۲۰۸۰-۲۰۸۲، ۲۰۹۱ و ۲۰۹۸/سوره حجر، ج ۴، صص ۲۱۲۳، ۲۱۳۶ و ۲۱۴۷/سوره نحل، ج ۴، ص ۲۱۵۹/سوره اسراء، ج ۴، صص ۲۲۱۱ و ۲۲۱۳/سوره مریم، ج ۴، صص ۲۳۰۰-۲۳۰۱ و ۲۳۱۳/سوره طه، ج ۴، صص ۲۳۲۷ و ۲۳۴۹/سوره انبیا، ج ۴، ص ۲۳۶۶/سوره حج، ج ۴، صص ۲۴۰۶ و ۲۴۰۷/سوره مؤمنون، ج ۴، ص ۲۴۵۳/سوره شعراء، ج ۵، ص ۲۵۸۴/سوره نمل، ج ۵، صص ۲۶۲۵ و ۲۶۳۲/سوره روم، ج ۵، ص ۲۷۵۶/سوره سبأ، ج ۵، ص ۲۸۸۸/سوره فاطر، ج ۵، صص ۳۰۶۵-۳۰۶۶، ۳۰۶۸ و ۳۰۷۶/سوره فصلت، ج ۵، ص ۳۱۰۶/سوره شوری، ج ۵، ص ۳۱۳۸/سوره دخان، ج ۵، ص ۳۲۱۷/سوره جاثیه، ج ۵، ص ۳۲۲۱/سوره محمد، ج ۶، صص ۳۲۸۰، ۳۲۸۲، ۳۲۹۲ و ۳۳۰۰/سوره فتح، ج ۶، صص ۳۳۰۶، ۳۳۱۲ و ۳۳۱۵/سوره ذاریات، ج ۶، ص ۳۳۷۳/سوره نجم، ج ۶، ص ۳۴۰۴-۳۴۰۵/سوره قمر، ج ۶، ص ۳۴۲۵/سوره صف، ج ۶، ص ۳۵۶۱/سوره تغابن، ج ۶، ص ۳۵۸۳ (جو مدنی)/سوره حاقه، ج ۶، ص ۳۶۷۷-۳۶۷۸/سوره معارج، ج ۶، ص ۳۶۹۴/سوره مرسلات، ج ۶، ص ۳۷۸۹/سوره انفطار، ج ۶، صص ۳۸۴۵ و ۳۸۵۱/سوره انشقاق، ج ۶، ص ۳۸۶۵/سوره بروج، ج ۶، ص ۳۸۷۳/سوره اعلیٰ، ج ۶، ص ۳۸۸۳/سوره فجر، ج ۶، ص ۳۹۰۳/سوره فیل، ج ۶، ص ۳۹۷۷/سوره مسد، ج ۶، ص ۴۰۰۱.

۱. همچنین ر.ک: ج ۴، ص ۲۱۵۹/سوره مریم، ص ۲۳۰۰/سوره انبیا، ص ۲۳۶۶.
 ۲. همچنین ر.ک: سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۰۸۲/ج ۴، ص ۲۱۵۹/سوره مریم، ص ۲۳۰۰/سوره انبیا، ص ۲۳۶۶.

(سید قطب، همان، ص ۷۲). این قرینه برای سید قطب یکی از ضابطه‌های کشف موضوع سوره می‌باشد. آیا این قرینه نزد کسانی که به غرض محوری برای سوره‌ها باور دارند، می‌تواند ضابطه باشد؟ به نظر می‌رسد کسانی که اغراض تربیتی را محور سوره‌های قرآن می‌دانند، هوشیارانه یا غیر هوشیارانه به این قرینه که محصول نوع کاربرد واژه‌ها و حروف و کلمات می‌باشد، توجه کرده‌اند. در غیر این صورت در تشخیص دقیق غرض سوره توفیق نخواهند داشت.

ب) توجه به تکرار مطلب در سوره

از آنجا که سید قطب سوره را قطعه‌ای متصل می‌داند، تکرار یک مطلب در متن سوره را هماهنگ با محور سوره خواهد دانست. عبارات ایشان در مقدمه بسیاری از سوره‌ها، نشان از توجه ایشان به تکرار مطلب در سوره است. از توجه به این قرینه ضابطه‌ای تولید می‌شود: مفسر در تعیین غرض سوره می‌بایست به مطالبی که در سوره تکرار شده و مورد تأکیدند، توجه نموده و غرض سوره را متناسب با آنها تعیین نماید؛ برای مثال سید قطب در سوره فصلت که موضوع اساسی آن را «قضیه عقیده با حقایق اصلی آن یعنی الوهیت واحد، حیات اخروی، وحی و رسالت» می‌داند، تصریح می‌کند هر مطلبی که در سوره آمده برای شرح این حقایق و استدلال بر آنهاست. وی می‌نویسد: حقیقت الوهیت در مطلع سوره.. وسط سوره و در نهایت سوره آمده است. قضیه آخرت در چند جای سوره تکرار شده است. صحبت در مورد وحی در این سوره پرتکرار است؛ تا جایی که می‌توان آن را به عنوان موضوع اصلی سوره مد نظر داشت (سید قطب، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۱۰۵). سوره یوسف (همان، ج ۳، ص ۱۹۶۶)، سوره احزاب (همان، ج ۵، ص ۲۸۲۰) و سوره اسرا (همان، ج ۴، ص ۲۲۰۸-۲۲۰۹) و سوره ذاریات (همان، ج ۶، ص ۳۳۷۲) از نمونه‌های دیگر توجه به تکرار مطالب در سوره‌اند.

توجه به تکرار موضوع در سوره می‌تواند هدایت‌کننده ما به سوی غرض سوره و عامل انسجام‌بخش به سوره باشد؛ ولی قرینه‌ای قطعی در فهم موضوع اساسی سوره نیست. گرچه تلاش سید برای کشف موضوع رئیسی مشکور است، منتها باز نمی‌تواند کاشف قطعی از عامل انسجام‌بخش سوره‌ها باشد؛ زیرا تنها عامل انسجام‌بخش سوره‌ها غرض است و یک موضوع هر اندازه هم که تکرار شده باشد، نمی‌تواند به خودی خود عامل انسجام سوره تلقی گردد (ر.ک:

معرفت، و علی‌راد، ۱۳۹۶).

به علاوه در بسیاری موارد، تکرار معنوی بوده و با وجود تنوع موضوعی، مقصود واحدی تکرار می‌شود؛ برای مثال در سوره «ص»، احزاب کفر علیه پیامبر ﷺ توطئه می‌کنند. خداوند در مقام صبردادن و استوارساختن پیامبر توضیح می‌دهد که من قدرت و سطوت لازم را برای برخورد با این قوم دارم و سپس داستان پیامبران متعددی بیان می‌شود که به اذن الهی دارای قدرت و شوکت شده بودند. همان گونه که مشخص است، در این سوره ذکر یک داستان یا یک نبی تکرار نشده و شاهد ذکر داستان انبیای مختلفی هستیم؛ اما گزینش انبیای خاص و برهه خاص زندگی ایشان همگی یک پیام واحد را تکرار می‌کند که عبارت است از: قدرت و شوکت پیامبران در سایه حمایت الهی. نتیجه آنکه تکرار موضوع به تنهایی برای شناسایی عامل انسجام سوره و نمایاندن شخصیت سوره کافی نیست و بسیاری موارد، باید به دنبال کشف تکرارهای مخفی باشیم که در پس موضوعات مختلف وجود دارد؛ موضوعات مختلفی که جهت گیری واحد داشته و پیام و غرض واحدی را القا می‌کنند.

ج) توجه به قصه‌های ذکرشده در سوره

عبارات سید قطب خواننده را به آنجا می‌رساند که از دید نویسنده فی‌الذلال، قصه‌هایی که در هر سوره بیان می‌شود، متناسب با موضوع رئیسی سوره‌اند. از نظر ایشان ذکر قصه در قرآن اسلوب خاصی دارد و فقط قسمت‌هایی از آن بیان می‌شود که مرتبط با مخاطبان زنده قرآن است (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۱۲۴۶). قصه‌ها به صورت کامل بیان نمی‌شوند، بلکه فقط مشاهدی از آن بیان می‌شود و بر اساس اسلوب قرآن قصص قرآنی، در برخورد با جاهلیت بیان می‌شوند (همان). وی رابطه مستقیمی میان موضوع سرآمد سوره و قصه‌های مطرح‌شده در سوره قایل است. در سوره نمل پس از آنکه موضوع رئیسی سوره را عقیده و شاخه‌های آن می‌داند، توضیح می‌دهد که قصه‌های سوره برای تثبیت این معنا آمده‌اند (سیدقطب، همان، ج ۵، ص ۲۶۲۵)؛ همچنین در سوره طه می‌نویسد: «حلقاتی از قصه حضرت موسی متناسب با موضوعی که سوره عرضه می‌کند و جو سوره بیان می‌شود» (همان، ج ۴، ص ۲۳۲۹). توجه به قصه‌های سوره از جمله قرائن مهم در تعیین غرض سوره می‌باشد.

دانشمندان تأکید دارند که داستان‌های قرآنی در راستای اهداف قرآن بوده و در برابر هدف دینی قرآن کاملاً تسلیم‌اند (سید قطب، ۱۴۱۵ق، ص ۱۵۵/ معرفت، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۴۵۱). یکی از خصوصیات داستان‌های قرآنی، همسوبودنشان با مطالب و عامل انسجام بخش سوره است. با دقت در مضمون این داستان‌ها می‌توان به محور مشترک آنها راه یافت و آن‌گاه از این محور برای کشف غرض سوره یا تأیید آن سود جست (خامه‌گر، ۱۳۹۶، ص ۳۳۰).

تشابه کلی غرض برخی سوره‌ها ایجاب می‌کند که یک داستان در همه آنها تکرار شود و از طرف دیگر تفاوت‌های جزئی اغراض ایجاب می‌کند که در هر سوره بخش خاصی از داستان با بیانی ویژه انعکاس یابد. همان‌طور که سید قطب در سوره طه به این مطلب اشاره می‌کند (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۳۲۹). علامه طباطبایی نیز علت اختصار و عدم بازگویی تمام قصه آدم را در سوره اسراء، به غرض و مقصود اصلی کلام باز می‌گرداند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۱۴۴).

با آن که سید قطب در مورد داستان‌های قرآن توجه به ارتباط میان داستان‌ها و موضوع اصلی سوره‌ها دارد و در مورد داستان پرتکرار قرآن، ماجرای حضرت موسی، سیر طرح داستان را در ترتیب نزول پی گرفته است تا اثبات کند ذکر داستان کاملاً در خدمت اغراض قرآن است (سید قطب، ۱۴۱۵ق، ص ۱۵۶-۱۶۲). ولی باید روشن می‌شد که موضوعات فرعی و اصلی باید در خدمت هدف و مقصود باشد که سید به آن نپرداخته‌اند و اگر اصراری بر محوریت موضوع اصلی دارند و به غرض توجه نمی‌کنند، باید روشن می‌کردند که چرا موضوعات اصلی گاه اقتضای چند آیه و گاه بیشتر را می‌کرده است؛ در ضمن تفسیر روشن می‌کرد که نسبت میان هر موضوع و داستان با موضوع اصلی چیست؟ به نظر می‌رسد مفسرانی که به صراحت شخصیت سوره را تابع غرض - نه موضوع - دانسته‌اند، از داستان‌ها و قطعات منتخب قصص در هر سوره و تعداد داستان‌ها یا ترتیب آنها قرآنی بیشتر از سید قطب به دست آورند که در جای خود ضابطه تشخیص غرض سوره باشد.

بر این اساس هر سوره تنها به فراخور غرض خود بخشی از این داستان را بازگو کرده است و حتی سوره‌هایی که به یک ماجرای واحد اشاره دارند، هر کدام سبک و سیاق خاصی به ماجرا داده و با دخل و تصرف، آن را مطابق غرض خویش نموده است و این تأییدی است بر قول کسانی که منکر تکرار - از

نوع عبس - در قرآن‌اند (ابوزهره، ۱۴۱۸ق، ص ۲۲۹/ معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۴۵۶).^۱

د) توجه به مخاطب سوره

با توجه به اشارات و عبارات سید قطب، وی در توضیح موضوع رئیسی سوره، به مخاطب سوره توجه شایانی داشته است و فهم محور سوره را با توجه به مخاطب سوره انجام داده است؛ برای نمونه در سوره طه خطاب سوره را از ابتدا تا انتها با رسول گرامی اسلام ﷺ می‌داند و متناسب با این خطاب سوره را توضیح می‌دهد؛ سپس سوره را بر اساس این قرینه به دو بخش تقسیم می‌کند. مخاطب بخش اول سوره را شخص پیامبر ﷺ می‌داند و سپس ختام و بخش دوم سوره را هماهنگ با این مطلع دانسته است. وی توضیح می‌دهد چرا پیامبر ﷺ در این سوره مخاطب واقع شد؟ علت مخاطب بودن پیامبر ﷺ را ایجاد اطمینان قلب ایشان می‌داند (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۳۲۸)؛ همچنین در سوره دیگر همچون انبیا (همان، ص ۲۳۶۶)، سوره انعام (همان، ج ۲، ص ۱۰۲۴) و سوره اسراء (همان، ج ۴، ص ۲۲۰۸)، سوره فرقان (همان، ج ۵، ص ۲۵۴۴)، سوره شعرا (همان، ص ۲۵۸۳)، سوره قصص (همان، ص ۲۶۷۴-۲۶۷۵) توجه به مخاطب بخشی از آیات در سوره‌های چندبخشی نیز در این تفسیر دیده می‌شود؛ برای مثال در سوره مؤمنون غرض آن را ایمان با همه قضایا و دلایل و صفاتش می‌داند و سوره را به چهار بخش تقسیم نموده است و خطاب قسمت چهارم را متوجه پیامبر ﷺ می‌داند (همان، ج ۴، ص ۲۴۵۲-۲۴۵۳).

این ضابطه از جمله ضوابط مهم در تعیین عامل انسجام بخش به سور می‌باشد. بهترین شاهد آن وجود خطاب‌های فراوان در قرآن کریم است. قرآن کریم مخاطب را در قرآن مشارکت می‌دهد، مشارکت مخاطب در فرایند درک معنای متن به برقراری ارتباط با متن و درنهایت تأمین اهداف فرستنده که اثرگذاری بر مخاطب است، منتهی می‌شود (فتاحی‌زاده، ذاکری، و سلطانی، ۱۳۹۵، ص ۴۹-۷۲).

البته نویسندگان فی‌الاحوال در همه سوره‌ها به این قرینه پایبند نبوده است؛ برای مثال در سوره کافرون که خطاب اصلی آن با پیامبر ﷺ است، اشاره‌ای به آن نکرده و بیان موضوع سوره شاهدهی بر توجه به خطاب در سوره ندارد (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۶، ص ۳۹۹۱) که البته یکی از دلایل آن

۱. نیز ر.ک: مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۵۷۱/ برای مطالعه بیشتر، ر.ک: معرفت، ۱۳۹۸، ...

می تواند عدم توجه به محوریت غرض و نه موضوع محوری سوره باشد.

نتیجه بحث آنکه با غور و تأمل در عبارات سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن به اهمیت و باورمندی سید قطب به چهار ضابطه از ضوابطی که بر اساس محتوای سوره فهم می شوند، می رسیم. توجه به اتمسفر و جو معنایی سوره و حالتی که سوره در روح مخاطب ایجاد می کند، از جمله قرائن بدیعی است که می توان نمونه های توجه به آن را در کلام سید قطب یافت. توجه به موضوعات پرتکرار سوره و همچنین قصه هایی که در سوره ذکر می شوند، قرائن بعدی هستند که هم تأثیر آنها در کشف عامل انسجام بخش سوره بالاست و هم در کلام سید قطب مورد استفاده بوده اند. قرینه چهارم توجه به مخاطب کلی یا بخشی از سوره و تأثیری است که بر فهم عامل انسجام بخش سوره دارد. هر چند این توجه در تفسیر فی ظلال به حد اعلاى خود نمی رسد، نمودهایی از این توجه را در عبارات سید قطب، شاهد هستیم.

۳. قرائن برون سوره ای

سومین بخش از قرائنی که بر اساس عبارات سید قطب، قابل تحلیل و تعیین است و در تبیین عامل انسجام بخش به سوره دخیل اند، قرائن برون سوره ای اند. مراد از این قرائن و ضوابط، قرائنی است که بیرون از سوره بوده، ولی در فهم موضوع رئیسی از سوره و فهم صحیح تر غرض سوره، دخیل اند. این قرائن را در کلام سید قطب می توان به ترتیب ذیل دانست:

الف (مکی یا مدنی بودن سوره

تحقیق در تفسیر فی ظلال و توجه به عبارات سید قطب، محقق را به توجه این مفسر به مکی یا مدنی بودن سوره و همچنین تأثیراتی که هر کدام از دوران مکه و مدینه در موضوع اصلی سوره دارد، رهنمون می سازد. به باور سید قطب، فضای مکه ایجاب می کرد مباحث سوره های پیش از هجرت پیامبر اکرم ﷺ به مدینه، در «بیان عقیده ایمانی» باشد؛ از این رو سوره متناسب با این شرایط و محور فهمیده می شود (همان، ج ۲، ص ۱۰۰۴)؛^۱ چنان که فضای حاکم بر پس از

۱. نمونه های دیگر: ج ۲، سوره انعام، ص ۱۰۰۴/ ج ۴/ سوره نحل، ص ۲۱۵۸/ سوره حجر، سوره ابراهیم، سوره رعد، سوره یوسف، سوره هود، سوره انبیا، ص ۲۳۶۴/ ج ۵، سوره شعرا، ص ۲۵۸۳/ سوره لقمان، ص ۲۷۸۰/ سوره

هجرت اقتضا می‌کرد که موضوعات سور مدنی « تثبیت شریعت و بیان احکام و مقررات و تربیت نفوس مسلمانی » باشد. این مطلب با توجه به بررسی مقدمه تمام سور مدنی^۱ در تفسیر فی ظلال القرآن برداشت می‌شود (ر.ک: سیاوشی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۴-۱۲۵)؛ برای مثال در مورد سوره نجم (مکی) می‌نویسد: « موضوعی که سوره در پی علاج آن است، موضوع عل الاطلاق سور مکی است و آن عقیده با تمام موضوعات اصلی اش است که شامل وحی و وحدانیت و آخرت می‌شود (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۶، ص ۳۴۰۵). وی در سوره ممتحنه که مدنی است، می‌نویسد: این سوره حلقه‌ای از حلقات تربیت ایمانی و تنظیم روابط اجتماعی و دولتی در جامعه‌ی ایمانی است^۲ (همان، ص ۳۵۳۶).

دانشمندان علوم قرآنی متفق بر فایده‌مندی شناخت مکی و مدنی در فهم بهتر و دقیق‌تر از سوره‌اند (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۵۴)؛ همان طور که حضرت علی^{علیه السلام} به دانستن علم مکی و مدنی و آموختن آن از نبی مکرم اسلام^{صلی الله علیه و آله} افتخار می‌کردند (شیخ صدوق، قرن ۴، الامالی، ص ۲۷۶). باید دانست در تعیین عامل انسجام‌دهنده سوره، یکی از مهم‌ترین عناصر توجه به مکی یا مدنی بودن سوره است (معرفت، ۱۳۹۸، ص ۱۸۴). امروز نه تنها شناخت شرایط پیش و پس از هجرت را در تشخیص غرض سوره‌ها مؤثر می‌دانند، بلکه ترتیب نزول سوره‌های مکی و مدنی را در تشخیص دقیق تر غرض سوره‌ها شرط دانسته‌اند (ر.ک: بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص ۲۱).

ب) توجه به قرائن تاریخی

تفسیر فی ظلال نمونه‌ای مهم از توجه مفسر به قرائن تاریخی حول سوره و تأثیر آنها بر عامل انسجام‌بخش به سوره است. تورق تفسیر فی ظلال خواننده را به این نتیجه می‌رساند که سید قطب توجه ویژه‌ای به تاریخ نزول سوره داشته و تلاش دارد با استفاده از جریان‌ها و اتفاقات پیرامون نزول

سجده، ص ۲۸۰۲ / سوره سبأ، ص ۲۸۸۸ / سوره یس، ص ۲۹۵۶ / سوره صافات، ص ۲۹۸۰ / سوره فصلت، ص ۳۱۰۵ / سوره شوری، ص ۳۱۳۶ / ج ۶، سوره احقاف، ص ۳۲۵۲ / سوره نجم، ص ۳۴۰۵ / سوره ملک، ص ۳۵۲۸ / ج ۵، ص ۲۷۸۰.

۱. برای نمونه ر.ک: سوره ممتحنه، ج ۶، ص ۳۵۳۶ / سوره صف، ج ۶، ص ۳۵۵۰ / سوره جمعه، ج ۶، ص ۳۵۶۲-۳۵۶۳ و...، ج ۶، ص ۳۹۹۶ / ج ۶، ص ۳۵۰۳.

۲. هذه السورة حلقة في سلسلة التربية الإيمانية والتنظيم الاجتماعي والدولة في المجتمع المدني.

سوره عامل انسجام بخش سوره را مشخص نماید (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۸ و ج ۲، ص ۱۰۲۰ و ج ۳، ص ۱۵۷۰).^۱ در سوره مبارکه حشر (همان، ج ۶، ص ۳۵۱۸) به طور کامل ماجرای بنی نضیر را با توجه به آیات قرآنی توضیح داده، این حادثه را دلیل نزول این سوره و نصوصی می‌داند که در این سوره آمده است (همان، ص ۳۵۲۰).

توجه به قرائن تاریخی درباره نزول سوره مورد توجه مفسران بوده است؛ چه قرآن متنی است که در تعامل با مخاطبان و حوادث و وقایع آن زمان نازل شده است و ناظر به آن شرایط بوده است. این قرینه می‌تواند در تعیین غرض سوره مؤثر بوده و از جمله قرائن و ضوابط مهم می‌باشد.

ج) توجه به ترتیب نزول

از جمله امور مهمی که در شناخت موقعیت نزولی سوره مؤثر است، توجه به ترتیب نزول سوره می‌باشد. هر چند صریحاً به این ضابطه و استعمال آن اشاره نمی‌کند، جمع کردن تمام قرائن از تفسیر فی ظلال القرآن این قرینه و تأثیر آن در کشف محور سوره حاصل می‌شود. سید قطب ملاک ترتیب نزول سوره‌ها را نزول ابتدای هر سوره می‌داند (همان، ج ۱، ص ۲۷ و ج ۲، صص ۱۰۲۰ و ۱۴۳۰). وی بر این نظر است که با توجه به زمان و ترتیب نزول می‌توانیم منهج حرکت اسلامی را بشناسیم و از

۱. نمونه‌های دیگر: ج ۵، سوره نمل، ص ۲۰۴۴-۲۰۴۵/ج ۱، سوره آل عمران، ص ۳۵۰-۳۵۶/ج ۲، سوره مائده، ص ۸۳۲/سوره انعام، ص ۱۰۰۶/ج ۳، سوره انفال، ص ۱۴۲۹/سوره توبه، ص ۱۵۶۴/سوره یونس، ص ۱۷۵۱/ج ۴، سوره هود، سوره یوسف، ص ۱۹۴۹/سوره رعد، ص ۱۹۵۰/سوره حجر، ص ۲۱۲۱/ج ۵، سوره شعرا، ص ۲۵۸۴/سوره قصص، ص ۲۶۷۳/سوره روم، ص ۲۷۵۴ (جو تاریخی)/سوره صافات، ص ۲۹۸۰-۲۹۸۱/سوره ص، ص ۳۰۰۵، سوره زخرف، ص ۳۱۷۴-۳۱۷۶/ج ۶، سوره فتح، صص ۳۳۱۴-۳۳۱۵، ۳۳۱۲-۳۳۰۶ (روایات در توضیح جو نزول سوره را هم می‌آورد)/سوره ممتحنه، ص ۳۵۳۷-۳۵۳۸/سوره منافقون، ص ۳۵۷۳-۳۵۷۲/سوره طلاق، ص ۳۵۹۷-۳۵۹۸/سوره تحریم، ص ۳۶۱۰-۳۶۱۲/سوره حدید، ص ۳۴۷۵-۳۴۷۶ (جو تاریخی)/سوره مجادله، ص ۳۵۰۳ (جو تاریخی)/سوره حشر، ص ۳۵۱۸-۳۵۲۰ (جو تاریخی)/سوره فتح، ص ۳۳۰۶ (جو زمانی و تاریخی)/سوره قلم، ص ۳۶۵۰-۳۶۵۱/سوره جن، ص ۳۷۲۴-۳۷۲۶ (توجه به شان نزول سوره)/سوره مزمل، ص ۳۷۴۱-۳۷۴۲ (سبب نزول و جو فرهنگی)/سوره مدثر، ص ۳۷۵۱ (سبب نزول)/سوره بروج، ص ۲۸۷۱-۲۸۷۲ (می‌گوید سوره درباره اصحاب اخذود است و بعد درباره آنها توضیح می‌دهد)/سوره ملک، ص ۳۶۲۸/سوره قلم، ص ۳۶۵۰-۳۶۵۱/سوره انسان، ص ۳۷۷۷/سوره عبس، ص ۳۸۲۲/سوره ضحی، ص ۳۹۲۵/سوره علق، ص ۳۹۳۵-۳۹۳۸/سوره همزه، ص ۳۹۷۲/سوره فیل، ص ۳۹۷۴-۳۹۷۷/سوره قریش، ص ۳۹۸۲-۳۹۸۳/سوره کوثر، ص ۳۹۸۴/سوره کافرون، ص ۳۹۹۰-۳۹۹۱/سوره نصر، ص ۳۹۹۴/سوره مسد، ص ۳۹۹۰-۴۰۰۰/سوره فلق، ص ۴۰۰۶ (علت نزول سوره در روایات را مطرح می‌کند).

مراحل و گام‌هایش اطلاع بیابیم، هرچند ترتیب قطعی را در اختیار نداریم (همان، ج ۱، ص ۵۵۴ و ج ۳، صص ۱۴۲۹ و ۱۵۷۰). به همین دلیل در مواضعی برای کشف عامل انسجام سوره، به ترتیب نزول سوره توجه کرده (همان، ج ۳، ص ۱۷۴۵ و ج ۴، ص ۱۸۴۰) یا به منطق قرآن در طرح مباحث قیامت به ترتیب نزول توجه داده است (همان، ج ۳، ص ۱۴۳۰، پاورقی).

همان گونه که مشاهده می‌شود، سید قطب مبنای تأثیرپذیری عامل انسجام از ترتیب نزول را پذیرفته است؛ اما از لحاظ صغروی نمی‌تواند به گزارش‌های ترتیب نزول سوره‌ها اطمینان کافی پیدا کند. این در حالی است که به گفته آیت‌الله معرفت^۳ پی‌بردن به ترتیب نزول سور، کاری آسان و دردسترس بوده و تاریخ به‌خوبی آن را ضبط و ثبت کرده است (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۵۲۰/ ۵۲۱، ق ۱، ج ۱، ص ۱۳۳ به بعد). نیز باید دانست که برخی پژوهش‌های معاصر نشان داده است هرچند اختلافات اندکی در میان روایات ترتیب نزول وجود دارد، با مراجعه به متن و سیاق برگرفته از مجموعه روایت‌ها و مقایسه آنها با یکدیگر، می‌توان به جدول قابل اعتمادی دست یافت (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۳۰۱-۳۴۴).

د) توجه به نام سوره

دقت در کلام سید قطب و ارزیابی کلام ایشان در مقدمه سور، باورمندی ایشان به تأثیر نام سوره در موضوع محوری سوره را ثابت می‌کند. به باور برخی نام سوره به‌خصوص با توجه به توقیفی بودن نام‌گذاری سوره‌ها، نشانه بسیار خوبی برای تعیین موضوع سوره است (خامه‌گر، ۱۳۹۶، ص ۳۳۶)؛ برای نمونه نام سوره مؤمنون از موضوع این سوره حکایت دارد. به همین جهت سید قطب موضوع این سوره را ایمان، دلایل و صفات آن می‌داند (سیدقطب، ۱۴۲۵، ج ۴، صص ۲۴۵۲ و ۲۴۸۵). یا در سوره محمد، به جهت نام دوم سوره، «قتال»، موضوع سوره را قتال و جهاد در راه خدا می‌داند (همان، ج ۶، ص ۳۲۷۸).

قبل از ارائه هر گونه نظری درباره ارتباط اسامی سوره‌ها با اغراض و موضوعات آنها، ابتدا باید مشخص کرد که نام‌گذاری سوره‌ها توقیفی بوده است یا اجتهادی؛ چراکه توقیفی بودن نام سوره است که می‌تواند آن را دارای حکمت گردانده و موضوع سوره را به سوی آن متمایل نماید (خامه‌گر، ۱۳۹۶، ص ۳۳۷). علامه طباطبایی بر خلاف سید قطب معتقد است بسیاری از نام سوره‌ها بر اثر

کثرت استعمال تعیین پیدا کرده، هیچ گونه جنبه توقیف شرعی ندارد (طباطبایی، ۱۳۵۳، ص ۲۱۹). درخور توجه آنکه در نام‌گذاری سوره‌ها مناسباتی مثل کلمات آیات اول سوره یا موضوع منحصر به فرد در سوره دخالت داشته است؛ از این رو نسبت میان موضوع سرآمد سوره و نام سوره اتفاقی و ارتباط آنها از نوع عموم و خصوص من وجه است. بنابراین این قرینه رهزن بوده، مفسر را از تشخیص صحیح موضوع اصلی سوره باز می‌دارد. بدیهی است ضابطه‌سازی این قرینه برای مفسرانی که غرض را محور سوره می‌شناسند، رهزنی بیشتری دارد.

در بخش سوم مقاله با تکیه بر اشارات و کلام سید قطب، چهار ضابطه دیگر در تعیین عامل انسجام‌بخش به سوره استخراج شد. توجه به مکی یا مدنی بودن سوره، توجه به قرائن تاریخی پیرامونی نزول سوره، توجه به ترتیب نزول سوره هر سه این موارد مورد تأیید دیگر علما و مفسران بوده و در تعیین غرض سوره دخیل‌اند؛ لیکن چهارمین ضابطه حاصله که توجه به نام سوره بود، مورد اختلاف است و تأثیر این قرینه در تعیین موضوع سرآمد سوره یا غرض منتفی است.

نتیجه‌گیری

از نگاه مفسران عقل‌مندی در مضمون و محتوا و در روش ارائه مباحث در قرآن وجود دارد. روش قرآن در عرضه مباحث بسیار منطقی و قابل توجه است. از دیرباز دانشمندان تحت عنوان تناسب آیات پیرامون نظم و منطق بیان مطالب در سور بحث می‌کردند. متأخرین آنها بحث از انسجام سوره‌ها را با عنوان عامل انسجام‌بخش و وحدت‌بخش به سور بیان داشته‌اند. تفسیر فی ظلال از جمله تفاسیر فنی و ساختارمند است که فهم سوره را بر مبنای عامل انسجام‌بخش به سوره انجام داده است. سید قطب با نکته‌سنجی و دقتی والا به خوبی توانست توجه مفسران را به سوی انسجام سوره‌ها جلب کند. کلام ایشان در تفسیر فی ظلال القرآن نشان‌دهنده اوج دقت و تلاش برای نشان دادن حکیمانگی قرآن و ساختارمندی آن است. از مطویات، تصریحات و ظاهر کلام سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن استفاده می‌شود، ایشان جهت کشف موضوع رئیسی سوره و محور سوره، از قرائنی ساختاری، درون‌سوره‌ای و برون‌سوره‌ای بهره برده است. مهم‌ترین نکته در باره کشف قرائن و تولید ضوابط انسجام سوره‌ها، چرخش سید قطب به سمت موضوعات

سوره و تلاش برای کشف موضوع سرآمد سوره است. موضوع نمی‌تواند عامل وحدت‌بخش سوره باشد، بلکه غرض است که انسجام و وحدت سوره را به مثابه گفتاری حکیمانه تضمین می‌کند. همین امر باعث شده است برخی قرائن منتخب سید قطب نادرست، برخی ناقص و البته در موارد عدیده‌ای صواب باشد.

منابع

- * قرآن کریم.
۱. ابن عاشور محمد طاهر (۱۴۲۰ق). التحرير و التنوير. بيروت: مؤسسه التاريخ العربی.
 ۲. ابوزهره، محمد (۱۴۱۸ق). المعجزة الكبرى القرآن. قاهره: دار الفكر العربی.
 ۳. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقایس اللغة. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۴. ابن منظور، محمد (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بيروت: دار الفكر.
 ۵. ابن ابی الاصبغ، عبدالعظیم (۱۴۳۰ق). البرهان فی اعجاز القرآن. بيروت: دارالعربیة.
 ۶. انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: انتشارات سخن.
 ۷. باجوده، حسن (۱۴۰۳ق). الوحدة الموضوعیه. جده، دارالکتب الحدیثیه.
 ۸. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۱). فرهنگ معاصر عربی فارسی. تهران: نشر نی.
 ۹. ایازی، محمدعلی (۱۳۸۰). چهره پیوسته قرآن. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
 ۱۰. احمدزاده، سیدمصطفی (۱۳۸۸). وحدت موضوعی سوره‌ها در تفسیر تسنیم. پژوهش‌های قرآنی، ۱۵ (۵۷).
 ۱۱. بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۲۷ق). نظم الدرر فی تناسب الایات و السور. مهدی عبدالرزاق غالب، بيروت: دار الکتب العلمیه.
 ۱۲. بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۲). تفسیر تنزیلی مبانی، اصول، قواعد و فواید. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
 ۱۳. بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۰). تفسیر همگام با وحی. قم: تمهید.
 ۱۴. بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۴). شناختنامه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم. قم: تمهید.
 ۱۵. خامه‌گر، محمد (۱۳۹۶). اصول و قواعد کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
 ۱۶. دهخدا، علی اکبر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۱۰ ش.
 ۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی الفاظ القرآن، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۶ هـ

۱۸. زرکشی محمد بن بهادر (۱۴۱۰ق). البرهان فی علوم القرآن. تحقیق ذهبی، جمال حمدی، کردی، ابراهیم عبدالله، مرعشلی، یوسف عبدالرحمن، بیروت: دار المعرفه.
۱۹. سیاوشی، کرم (۱۳۸۹). تحلیل انتقادی مبانی و روش تفسیری سیدقطب در فی ظلال القرآن. تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۲۰. سید قطب، ابراهیم حسین شاذلی (۱۳۸۶). فی ظلال القرآن. خرم دل، مصطفی، تهران: احسان.
۲۱. سید قطب (۱۴۱۵ق). التصوير الفني فی القرآن. بیروت: دار الشروق.
۲۲. سید قطب (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن. بیروت: دار الشروق.
۲۳. سیدی، سید حسین، و شاهوردی، فرحناز (۱۳۹۲). درآمدی بر زیبایی شناسی تکرار حروف در نظم آهنگ درونی آیات قرآن. پژوهش های قرآنی، ۱۹ (۷۳).
۲۴. سیوطی عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۳۰ق). تناسق الدرر فی تناسب السور. الدرویش، عبدالله محمد، بیروت: عالم الكتاب.
۲۵. شفیعی کدکنی محمدرضا (۱۳۶۸). موسیقی شعر، تهران، نشر آگه.
۲۶. صعیدی، عبدالمتعال (۱۹۹۲م). النظم الفني فی القرآن. قاهره، مکتبه الآداب.
۲۷. طباطبایی محمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. ج ۲، بیروت: مؤسسه علمی للمطبوعات.
۲۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۵۳). قرآن در اسلام. چاپ دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۹. طیب حسینی، محمود (۱۳۸۵). دایرة المعارف قرآن کریم. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، قم: بوستان کتاب.
۳۰. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳ ش.
۳۱. فتاحی زاده، فتحیه، ذاکری، مرضیه، و سلطانی، حسین بخشعلی (۱۳۹۵). تبیین تحلیل رابطه متن و مخاطب در پیام های قرآن. کتاب قیم، ۶ (۱۵).
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، مؤسسه داراهجره، ۱۴۰۹ ه.ق.
۳۳. فلاحی قمی، محمد (۱۳۹۰). خطاب و مخاطب در قرآن. بینات، ۱۸ (۷۰).
۳۴. معرفت، حامد (۱۳۹۸). سیمای منسجم سوره های قرآن کریم. قم: انتشارات تمهید.
۳۵. معرفت، حامد، و راد، علی (۱۳۹۶). نقد رویکرد سیدقطب به عامل شخصیت بخش سوره های قرآن کریم. پژوهش های قرآنی، ۲۰ (۱).
۳۶. معرفت، محمدهادی (۱۴۱۵ق). التمهید فی علوم القرآن. ج ۲، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

۳۷. معرفت، محمدهادی (۱۳۹۶). التمهید فی علوم القرآن. معرفت، حامد، نصیری، علی، ج ۵، قم، انتشارات تمهید.
۳۸. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۹). تفسیر و مفسران. خیاط، محمد؛ نصیری، علی؛ قم، مؤسسه فرهنگی تمهید.
۳۹. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۲). تاریخ قرآن. پنجم، تهران، سمت.
۴۰. معین، محمد، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۱ ش.
۴۱. مهدوی‌راد، محمدعلی، و دهقانی قنقاسانی، مهدیه (۱۳۸۷). سیر تاریخی شناخت سور و آیات مکی و مدنی. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۵ (۱۰).
42. Mir.mostansir (2006). unity of the text. in *yclopedia of the quran*, brill: leiden.